

تلاش برای ناکارآمد نشان دادن دولت نهایتاً به تبلیغ ناکارآمدی علیه نظام مبدل می‌شود/ روحانی با خاتمی به دیدار داشته است.

وزارت اطلاعات نباید به خود حق بدهد که وارد محیط‌های نظامی شود؛



وزیر اطلاعات دولت اصلاحات درباره اظهارات اخیر خود در مورد پرونده زهرا کاظمی توضیحاتی را ارائه کرد و گفت: همیشه از وزارت اطلاعات دفاع می‌کنم.

علی یونسی وزیر اطلاعات دولت اصلاحات است وی پس از استعفای در نجف آبادی در جریان قتل‌های زنجیره‌ای که بحران‌های بسیاری را برای وزرات اطلاعات ایجاد کرده بود با کسب ۲۱۹ رای موافق از مجلس شورای اسلامی چهارمین وزیر اطلاعات ایران بعد از انقلاب شد و تا پایان دولت خاتمی در کابینه حضور داشت.

بعد از به روی کار آمدن دولت‌های نهم و دهم و حذف اصلاح‌طلبان از عرصه سیاسی کشور یونسی هم مانند هم‌قطاران‌ش به دیگر فعالیت‌ها روی آورد اما با آمدن دولت تدبیر و امید در سال ۹۲ او بار دیگر در جمع دولتمردان قرار گرفت و در حکمی در ۹ مهر همان سال از سوی حسن روحانی، به عنوان دستیار ویژه رئیس‌جمهور در امور اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی منصوب شد.

یونسی که این روزها مشاور روحانی در امور اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی است در ارتباط با فوت پرونده زهرا کاظمی در مراحل بازجویی مسائلی را مطرح کرده این اظهارات سوالات زیادی را در افکار عمومی به وجود آورده است.

به گزارش اسپادانا خبر، شرح گفت‌وگو با حجت‌الاسلام علی یونسی را در ذیل می‌خوانید:

***** شما بعد از مدت‌ها پرونده خانم زهرا کاظمی را مطرح کردید. سوالی که بعد از مطرح کردن این مساله پیش آمد این بود که چرا در زمانی که مسئولیت داشتید این مطالب را عنوان نکردید و چرا در این برهه از پرونده خانم کاظمی صحبت کردید، عده‌ای معتقد هستند در واقع شما با مطرح کردن این موضوع قصد هشدار به مسئولان را در خصوص بازداشت‌های اخیر داشتید تا آن وقایع دوباره تکرار نشود؛ آیا این درست است؟**

در مصاحبه اخیرم دو مساله را مطرح کردم؛ تعریف جاسوسی و اینکه جاسوسی یک تهدید است و علیه امنیت ملی شکل می‌گیرد. باید برای درک و فهم تهدید به محیط، شرایط بین‌المللی، شرایط داخلی و ماهیت تهدید توجه کرد و معتقد هستم این موضوعات باید در جای خود تفسیر و تحلیل شود.

بعد از صحبت‌های اخیر من، دو سوال که در ذهن کسانی که از پرونده اطلاع نداشتند پیش آمده این است؛ نخست اینکه چرا در این زمان و موقعیت این صحبت‌ها مطرح شده است و دوم اینکه چرا تا به این حد، دیرنگام از این مسائل صحبت کرده‌ام؟ پاسخ این است که قصد من از مطرح کردن مجدد پرونده خانم کاظمی در این برهه این بود که از وزارت اطلاعات و جایگاه و ماموریتش دفاع کنم.

همیشه از وزارت اطلاعات دفاع می‌کنم

شاید عده‌ای بگویند چون روزی وزیر این وزارت‌خانه بوده‌ام اینچنین طرح موضوع کرده و دفاع می‌کنم؛ باید بگویم، خیر چنین نیست، من از جایگاه تخصصی هر سازمان صلاحیت‌دار دفاع می‌کنم. در تمامی مراحل که مسئولیت‌های اجرایی بر عهده داشته‌ام حتی قبل از این که به وزارت اطلاعات بروم، همیشه از آن دفاع کرده‌ام و در حال حاضر هم این کار را انجام می‌دهم.

وزارت اطلاعات وظیفه حفظ امنیت ملی را بر عهده دارد و باید بگویم این وزارت‌خانه با یک نگاه تخصصی، حرفه‌ای، کارشناسانه و دوراندیشانه تاکنون وظیفه و مأموریت‌هایش را به خوبی انجام داده و خدمات بسیار عظیم و ارزشمندی به کشور کرده است.

جایگاه وزارت اطلاعات ایران در قانون و حتی عموماً نهادهای امنیتی در دنیا مشخص است و به عنوان یک تشکیلات قوی و حرفه‌ای که کارش حفظ امنیت و آرامش ملت است، شناخته می‌شود. وزارت اطلاعات جزء دولت است اما وظیفه اصلی آن حاکمیتی است و حفظ نظام و امنیت ملی هدف اصلی آن است، این وزارت‌خانه در مهار جاسوسی، جاسوسان و تروریست‌ها تجربه عظیمی دارد که برای کشور مایه افتخار است و پشتوانه بزرگی برای امنیت ملی محسوب می‌شود اما عده‌ای می‌خواهند وزارت اطلاعات را تضعیف کنند و یا نادیده بگیرند و در این راه حتی به امنیت ملی جفا می‌کنند، برای این که به مقصد خود برسند.

*****از بیرون نگاهی وجود دارد مبنی بر این که ارگان‌ها و نهادها با وزارت اطلاعات در رقابت هستند نه تعامل. نظر شما چیست؟**

بطور طبیعی همیشه میان ارگان‌های مختلف با وظایف مشابه، رقابت‌هایی شکل می‌گیرد و در یک حدی هم البته لازم و مفید است. در همه جای دنیا هم چنین رقابت‌هایی وجود دارد. مهم این است که آن را به درستی مدیریت کنیم. گاهی برخی رقابت‌ها و دعوای شکاف‌هایی ایجاد می‌کند که از این شکاف، حریفان و دشمنان سوءاستفاده می‌کنند و از همان طریق به دولت و یا حکومت ضربه وارد می‌کنند.

بگذارید مثالی برای شما بزنم؛ ۱۱ سپتامبر محصول همین شرایط است، همیشه در آمریکا بین نهادهای امنیتی و اطلاعاتی رقابت وجود داشته و دارد، ضربه‌هایی که در ۱۱ سپتامبر به امنیت این کشور وارد شد به خاطر همین ناهماهنگی میان نهادهای امنیتی این کشور بود، که بعد از ۱۱ سپتامبر برای رفع این مشکل، تغییراتی در ساماندهی و هماهنگی سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی ایالات متحده صورت گرفت و البته باید همنی جا یادآوری کنم این نکات و ظرایف، در ایران، از بدو تاسیس وزارت اطلاعات رعایت شده است. یعنی مسئله مدیریت و هماهنگی بین سازمان‌های مختلف امنیتی پیش‌بینی شده است.

نمی‌شود همه اطلاعات کشور را در وزارت اطلاعات متمرکز کرد

حال سوال پیش می‌آید که چرا این هماهنگی ضرورت دارد؟ یک پاسخ این است که نمی‌شود همه اطلاعات کشور را در وزارت اطلاعات جمع‌آوری و متمرکز کرد. باید گفت مرزبندی دقیقی در کشور ما میان دستگاه‌های امنیتی وجود دارد، وزارت اطلاعات حق ورود به حیطه نیروهای مسلح را ندارد و وظیفه‌اش فعالیت امنیتی در خارج از محیط نظامی است و در مقابل، نیروهای نظامی هم حق ورود به حیطه کاری و مأموریت‌های وزارت اطلاعات را ندارد؛ البته سپاه، ارتش و نیروی انتظامی حق دارند اطلاعات مورد نیاز خود را به دست بیاورند، داشته باشند و از آن‌ها حفاظت کنند، به این صورت که نیروهای مسلح، هم تشکیلات امنیتی و اطلاعاتی داشته باشند هم قانون به آنها اجازه داده و هم این‌که وظیفه سازمانی آن‌هاست و درست هم است، اما به هیچ‌وجه مصلحت نیست یک سازمان غیرنظامی وارد محیط نظامی شود و همین‌طور سازمان‌های نظامی نباید وارد حوزه‌های غیرنظامی شوند. در قانون تاسیس وزارت اطلاعات، در این خصوص پیش‌بینی‌های لازم صورت گرفته است. لذا اگر همه این نهادها تن به قانون بدهند، هیچ مشکلی ایجاد نمی‌شود.

نیروهای نظامی نباید وارد کار وزارت اطلاعات شوند

وزیر اطلاعات، رئیس شورای عالی اطلاعات است که به نوعی در حوزه‌های مشترک با نیروهای مسلح باید هماهنگ باشد هدف من از طرح این موضوع این بود که نه وزارت اطلاعات باید به خود حق بدهد که وارد محیط‌های نظامی شود و نه نیروهای نظامی باید وارد کار وزارت اطلاعات شوند اما گاهی یک مورد مشترک وجود دارد که این اتفاق بسیار می‌افتد.

*****آیا چنین مواردی پیش می‌آید؟ اگر مواردی مشترک بود چه باید کرد؟**

بله، در چنین شرایطی، قانون مسئول هماهنگی اینگونه موارد متداخل را به وزیر اطلاعات داده است. مواردی وجود دارد که تعدادی از متهمان و مظنونان آنها نظامی و تعدادی دیگر غیرنظامی هستند. در این صورت باید وزارت اطلاعات و نیروهای مسلح با هم هماهنگ باشند که مداخله‌ای در کار یک دیگر صورت نگیرد. نباید طوری عمل کنیم که در بیرون این فضا ایجاد شود که گویی میان این نهادها ناهماهنگی وجود دارد و آنها بدون ضابطه در کار و مأموریت هم دخالت کرده و ورود می‌کنند.

سازمان‌های امنیتی جهان سوم هنوز با تعاریف گذشته عمل می‌کنند

اما در کنار این بحث، باید با ایجاد هماهنگی‌های لازم و توانمند و به روز کردن کار اطلاعاتی و نهادهای مسئول در این امر،

تهدید را درست شناسایی کنیم و از همان جا به تحلیل اطلاعات و شرایط بپردازیم باید شرایط امروز را فهم و درک کنیم. هنوز هم در جهان سوم سازمان‌های امنیتی با توجه به تعاریف گذشته برنامه‌ریزی می‌کنند همان چیزهایی که در گذشته تهدید و محرمانه بوده است را مدنظر قرار می‌دهند و براساس آن عمل می‌کنند آن هم در شرایطی که دیگر آن پدیده‌های قبل، تهدید به حساب نمی‌آیند و محرمانه هم نیستند.

در حال حاضر تهدیدهای جدیدی با توجه به شرایط و پیشرفت تکنولوژی به وجود آمده است. اینترنت و فضای مجازی و امکانات ارتباطی که در حال حاضر وجود دارد حتما تهدیدهای جدیدی برای ما ایجاد کرده و می‌کند؛ همین فضای باز اطلاعاتی بسیاری از موارد را از محیط امنیتی و محرمانه خارج کرده و تهدیدهای جدیدی متوجه ملت‌ها می‌کند.

*****در مورد پرونده اخیر کارشناسان محیط زیست، آیا با وزارت اطلاعات به عنوان مسئول هماهنگی اطلاعاتی کشور، هماهنگی صورت گرفته است؟ نظر وزارت چیست؟**

در این مورد خاص، نمی‌دانم هماهنگی صورت گرفته یا نه؟ شاید هماهنگ شده باشد، لذا به طور کلی به خودم اجازه نمی‌دهم در این مورد اظهارنظر کنم.

اعلام نکردن جزئیات پرونده‌های جاسوسی به وزارت اطلاعات، غیرحرفه‌ای است

اما اگر احیاناً جاسوسی و تهدیدی صورت گرفته باشد چنانچه به سازمان ذیربط و تخصصی، اعلام نشود، رفتار غیرحرفه‌ای محسوب می‌شود.

*****به سوال اصلی و پرونده خانم کاظمی بازمی‌گردیم، سخنان و اظهارات شما در چند روز اخیر درباره این پرونده، بحث‌ها و تحلیل‌های زیادی به همراه داشته است، بفرمایید چرا دیرنگام این موضوع را مطرح کردید؟**

در مورد پرونده مرحومه زهرا کاظمی بعضی‌ها گفتند که چرا آن موقع صحبت نکرده‌ایم و سخنان این افراد، مرا به تعجب وامی‌دارد. مشخص است که آن‌ها سابقه و تاریخ موضوع را به دقت پیگیری نکرده‌اند و یا تازه وارد مسائل سیاسی شده‌اند و از تحولات و اتفاقات آن دوره مطلع نیستند یا اطلاعات کامل ندارند. این مساله آن قدر در آن شرایط زمانی، حساسیت پیدا کرد که در جای خودش در دنیا مطرح شد و اخبار رویداد مذکور در همه جا مطرح بود و موج شدیدی را در داخل و خارج به راه انداخت، تا جایی که روابط ایران و کانادا به تیره و قطع شد. در حال حاضر هم به خاطر همین پرونده رابطه بین دو کشور ایران و کانادا قطع است. خاطرم می‌آید که آن زمان بیشترین اطلاع‌رسانی و بحث در خصوص این پرونده مطرح شد. من بارها در خصوص پرونده زهرا کاظمی مصاحبه‌هایی را انجام دادم و مجلس هم در این قضیه ورود پیدا کرد و تحقیق و تفحص صورت گرفت و گزارش آن هم اعلام شد. اقدامات زیادی در جهت پیگیری این پرونده صورت گرفت دولت یک کارگروه تشکیل داد و قوه قضائیه هم افرادی را به اتهام قتل خانم کاظمی محاکمه کرد.

نگفتم کسی با مسئولیت قضایی مباشر قتل زهرا کاظمی است

ضمناً بنده در ارتباط با این پرونده هم هیچ کدام از مقام‌های قضایی وقت را متهم به مباشرت در قتل نکردم و نگفتم که کسی با مسئولیت قضایی، مباشرتاً قاتل است. پرونده هم از نظر قضایی ظاهراً به نوعی رسیدگی شده است.

*****شما پیشتر گفته‌اید که اصرار آقای مرتضوی برای متهم کردن وزارت اطلاعات به قتل، برای وزارت بحران ایجاد کرد، در این باره توضیح می‌دهید؟**

در پرونده زهرا کاظمی پیشنهاد حکمیت را به رهبری دادیم

همین‌طور است. اصرار وی برای مقصر جلوه دادن کارشناسان وزارت اطلاعات، در داخل این وزارتخانه بحران ایجاد کرد. برای اینکه وزارت اطلاعات، خود را در اینجا صددرصد مظلوم می‌دید و هر مظلومی هم حق دارد از خود دفاع کند. البته پیشتر در این باره و در گفت‌وگوی دیگری، توضیحات کامل دادم و با استناد به دلایل و روند مرگ زهرا کاظمی، و مدارکی که در وزارت موجود است، گفتم چنین چیزی امکان‌پذیر نبوده و چنین اتهامی متوجه این نهاد خدمتگزار نیست و بررسی ۳ قاضی عالی رتبه قوه قضائیه نیز به این ابهامات خاتمه داد.

با حکمیت رهبری، وزارت اطلاعات از تهمت مرتضوی تبرئه شد

ما برای رفع ابهام، پیشنهاد حکمیت به رهبری دادیم ایشان هم با این پیشنهاد موافقت کردند و قضات ماموریت یافته هم بررسی‌های کافی انجام دادند و نهایتاً گزارشی مبنی بر میرا بودن وزارت اطلاعات از تهمتی که مرتضوی بر آن اصرار داشت، ارائه و وزارت تبرئه شد.

جناب آقای یونس، این روزها در عرصه سیاسی کشور، بحث‌هایی هم در زمینه گفت‌وگوی ملی مطرح می‌شود با توجه به شرایط فعلی کشور اجرایی شدن این امر چقدر لازم و شدنی است و دولت و جریان‌های سیاسی چگونه می‌توانند سازوکار این گفت‌وگو را فراهم کنند؟

گفت‌وگوی ملی به عنوان یک مطالبه عمومی و خواست مردم، مکرر از سوی جریان‌های سیاسی به خصوص اصلاح‌طلبان تاکنون مطرح شده و دولت هم حمایت کرده است، این گفت‌وگو جزء شعارهای اصلی آقای روحانی در دوران انتخابات بوده است اما تعریف دقیقی تاکنون از آن نشده که این گفت‌وگوی ملی چیست؟ برداشت من این است که ما عملاً بخش‌های مهمی از گفت‌وگوی ملی را در سطوح بالایی انجام داده‌ایم؛ مانند انتخابات، انتخابات عالی‌ترین مظهر گفت‌وگوی ملی است که همه شاخصه‌های گفت‌وگوی ملی را با خود دارد.

بعد از انتخابات، منتخبان، حامیان‌شان را فراموش می‌کنند و صدا و سیما به سیاسی نگاه غیرملی، باز می‌گردد

در هر گوشه‌ای از این مملکت مردم هنگام انتخابات با یکدیگر به بحث و تبادل نظر می‌پردازند، در دانشگاه‌ها دانشجویان مناظره می‌کنند و جریان‌های حزبی در محافل سیاسی با یکدیگر به گفت‌وگو می‌نشینند و در نهایت همه مردم نظر خود را با یک برگه رای اعلام می‌کنند و البته رسانه ملی، از امکانات وسیعی که در اختیار دارد، این گفت‌وگوی ملی را در دوره انتخابات، نسبتاً آزادانه منعکس می‌کند. اگر چه متأسفانه بعد از انتخابات، ناگهان و به یکباره، همه هیجان‌های انتخاباتی و رقابتی، فروکش می‌کند. در اینجا اشکالی وجود دارد که پس از خروج از فضای انتخاباتی، گروه‌های سیاسی و جریان‌ها، گفت‌وگو را رها می‌کنند، احزاب به دنبال کار خود می‌روند ولی کسانی که رای می‌آورند، حامیان خودشان را فراموش می‌کنند و از یاد می‌برند. صدا و سیما هم دوباره به سیاست قبلی خود، یعنی یکجانبه‌گرایی و نگاه غیرملی، باز می‌گردد. نهایتاً دولت‌ها هم حامیان خود را فراموش کرده و رها می‌کنند.

جای رسانه ملی در ترویج گفت‌وگوی ملی بسیار خالی است

البته از آن سو، گفت‌وگو در دانشگاه‌ها تاحدودی زنده مانده و انجام می‌گیرد و اگر چنانچه به کرسی‌های آزاداندیشی توجه بیشتری می‌شد می‌توانستیم این مهم یعنی گفتمان گفت‌وگو را نهادینه کرده و پیش ببریم.

مرحوم آیت‌الله هاشمی، بسیار اصرار داشتند که کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌ها تقویت شود و تا حدی هم در دانشگاه آزاد، آن را راه‌اندازی کردند. خود من، دو سال، در دانشگاه آزاد، با مرحوم آیت‌الله هاشمی، در این زمینه همکاری کردم. بار دیگر باید تأکید کنم، آن سازمانی که جایش در ترویج گفت‌وگوی ملی بسیار خالی است رسانه ملی است و این رسانه ضرورتاً باید همگانی باشد و از کار رسانه‌ای یک‌سویه و یک‌جانبه دور شود.

اما در کلان موضوع، معتقدم، به جای گفت‌وگو، تلاش برای ناکارآمد نشان دادن دولت، که نهایتاً به تبلیغ ناکارآمدی علیه نظام مبدل می‌شود نتیجه‌اش ناامیدی عمومی در جامعه و تبدیل شدن اعتراض‌های کوچک و مطالبات قابل تحقق، از طریق حرکت‌های مدنی و تبدیل شدن آن، به آشوب وسیع و غیرمدنی است. لذا باید از فراهم کردن چنین بسترهایی به شدت پرهیز کرده و حتی در مقام انتقاد و نقد دولت، به مسائل نگاه ملی داشته باشیم. در عین حال، اگر ما حق اعتراض و انتقاد مدنی و منطقی، به مردم بدهیم هر چیزی در جایگاه خود قرار بگیرد دیگر هر اعتراض مدنی کوچک و حتی بزرگی موجب ایجاد نگرانی نخواهد شد و از هر اعتراض به عنوان یک فرصت برای حل مشکلات کشور بهره خواهیم برد.

مدیریت اقلیت‌ها و فرقه‌ها، باید بر اساس جذب حداکثری، صورت بگیرد

برای نمونه، در مورد بحث درآویش، که قبلاً مفصل در رسانه‌های دیگر در این باره توضیح و تحلیل ارائه کرده‌ام، اضافه می‌کنم که جریان درآویش مانند همه فرقه‌ها و مذاهب و اقلیت‌های مذهبی و دینی و قومی، در ایران یک فرصت عالی برای همگرایی و انسجام ملی و تحکیم بیشتر امنیت ملی هستند، مشروط به اینکه، همه آنها را همانند اعضای یک پیکر و خانواده بزرگ ایرانی و ایران، بدانیم و هیچگونه تبعیض و تضییقی روا نداریم.

مدیریت این اقلیت‌ها و فرق، باید بر اساس حداکثر جذب، صورت بگیرد و از حقوق شهروندی آنان حفاظت شود و البته اجازه هم داده نشود که بیگانگان و گروه‌های معاند و افراطی داخلی و خارجی در میان آنها نفوذ کرده و از آنان به عنوان ابزاری برای اهداف خود استفاده کنند و همچنین نباید، بهانه بدست مخالفان و دشمنان پیشرفت و توسعه و امنیت ایران، که به ظاهر به عنوان دلسوز و مدافع حقوق این بخش از اقلیت جامعه ایرانی، تبلیغ می‌کنند، داد.

اجمالاً تاکنون هم به همین صورت عمل شده و نظام مانع تحقق اهداف دشمنان و مخالفان شده است و سران و رهبران این فرقه‌ها و اقلیت‌های ایرانی با جمهوری اسلامی به عنوان یک ایرانی علاقه‌مند به پیشرفت کشور، همکاری داشته‌اند در حالی که در عین حال، اندک افراد تندرو و افراطی در میان اینان وجود داشته و یا افراطیون مذهبی متعصب، بر آنها فشار و تضییقاتی روا داشته‌اند که باید همواره با این آسیب‌رسانان به وحدت و انسجام ملی، برخورد لازم صورت پذیرد.

می‌شد با تدبیر از حادثه خیابان پاسداران جلوگیری کرد

حادثه اخیر و تلخ پاسداران، به هیچ وجه قابل توجیه نیست و نتیجه هرچه بود، تنها به آرزوی دشمنان جمهوری اسلامی کمک کرد به شکلی که یا تحمیلی در سایه نفوذ دشمن، در میان آنان بود و یا متأسفانه تسلیم شدن در برابر تعصبات بعضی از افراطیون داخلی بود که می‌شد با تدبیر از این حادثه جلوگیری کرد، همانگونه که تاکنون در موارد مشابه زیادی، پیشگیری، به نفع امنیت و منافع ملی صورت پذیرفته است.

امیدوارم، که این حادثه تلخ، دو نتیجه با خود داشته باشد، اول اینکه این فرقه و فرقه‌های مشابه آن، در مدیریت داخلی خود و

پیروانشان، تجدیدنظر اصلاحی کنند و اجازه ندهند عناصر جاهل و افراطی بر روند فعالیت‌های آنها تاثیر بگذارند و دوم آنکه جمهوری اسلامی با تاکید بر سیاست تسامح و بردباری مذهبی گذشته خود، راهبرد مدیریت این اقلیت‌ها و هموطنان ایرانی را تبیین کنند.

***** شما در سخنان خود اشاره کردید که در زمان انتخابات گفت‌وگو صورت می‌گیرد و کاندیداها با احزاب و افراد صاحب‌نظر وارد گفت‌وگو می‌شوند، اما بعد از انتخابات، و استقرار دولت، برنده‌های انتخابات، حامیان خود را فراموش می‌کنند. مشخصا رفتار دولت فعلی با آقای خاتمی و اصلاح‌طلبان منظور ماست. چرا چنین می‌شود؟**

روحانی ناچار است مظلومانه به خاطر منافع ملی سکوت اختیار کند

در اینکه دولت نتوانسته با جریان‌های حامی خود ارتباط مناسب‌تر برقرار کند، کاملا حق با شماست. انتظار اصلاح‌طلبان هم از دولت تدبیر و امید، درست و منطقی است اما باید در نظر داشته باشیم اختیارات آقای روحانی محدود است و به لحاظ ساختاری و اختیارات و واقعیت‌های موجود، این امکان برای فراهم کردن بستر لازم جهت تحقق همه مطالبات فراهم نمی‌شود و لذا ایشان ناچار است مظلومانه به خاطر منافع ملی سکوت اختیار کند.

هیچ عنصر افراطی در دولت فعلی نیست

این را نه تنها بنده بلکه دیگرانی قبلا هم گفته‌اند که ساختار دولت کنونی، ضعف‌هایی در حوزه اطلاع‌رسانی و تیم رسانه‌ای خود، و همچنین، نارسایی‌هایی در ارتباط بیشتر با صاحب‌نظران و حامیان خود داشته و این قابل انکار نیست اما معتقدم، دولت، با توجه به شرایط، در تشکیل کابینه عملکرد نسبتا قابل قبولی داشته است. همه شاهد هستند که هیچ عنصر افراطی در دولت نیست. وزرا و هیات دولت را اصلاح‌طلبان و اصولگرایان معتدل تشکیل داده‌اند.

روحانی هم طور طبیعی با خاتمی به دیدار داشته است

آقای روحانی هم با آقای خاتمی به طور طبیعی دیدار داشته است و از طرفی هم ایشان و هم شخص معاون اول دیدارهایی را با صاحب‌نظران داشته و دارند، آقای جهانگیری با اصلاح‌طلبان دیدار و تماس دارد و روزی نیست که این ارتباط وجود نداشته باشد.

روحانی پیشتر تا این حد اصلاح‌طلب نبود اما امروز از هر اصلاح‌طلبی اصلاح‌طلب‌تر است

امروز همه شاهد هستند که بعضی از اصولگرایان معتدل که تعدادی از آنان در دولت هم حضور دارند به خاطر سختگیری، تنگ‌نظری و واقعیت‌های داخل جامعه و جهان، به سمت گفت‌وگو با اصلاح‌طلبی گرایش پیدا کرده‌اند؛ خود آقای روحانی نمونه‌ای از آنهاست. ایشان پیشتر تا این حد اصلاح‌طلب نبود اما امروز می‌بینیم از هر اصلاح‌طلبی اصلاح‌طلب‌تر است. ایشان نظرات اصلاح‌طلبانه در حوزه‌های مختلف نظری و عملی و اخیرا در مورد علوم انسانی، بیان کردند، که کمتر شخصیتی به وضوح و شجاعانه، مانند ایشان مطرح کرده است.

وضعیت محصوران نسبت به قبل بهتر شده است

در ارتباط با رفع محدودیت برخی از شخصیت‌های سیاسی هم که پرسیدید باید بگویم که رئیس‌جمهور همانطوری که بارها در تبلیغات انتخاباتی هم اعلام کرد تلاش خود را به طور جد معمول خواهند کرد و این طور هم عمل کردند. امروز می‌توان گفت که وضعیت درباره این افراد نسبت به قبل بهتر بوده و محدودیت‌ها دیگر به آن صورت، سختگیرانه نیست و نسبت به گذشته بهتر شده است. دولت هم درصدد است تا مشکلات را رفته رفته از میان بردارد و ما هم امیدوار به حصول نتیجه مورد انتظار رای دهندگان به آقای دکتر روحان هستیم.

***** یعنی شما تایید نمی‌کنید که تا عید نوروز حصر از میان برداشته شود؟ آقای مطهری گفته‌اند که قبل از عید حصر رفع می‌شود.**

شاید تا سال آینده دیگر محدودیتی، کشور و سیاسیون را رنج ندهد

در مورد آنچه آقای مطهری گفته‌اند اطلاع ندارم اما این را می‌دانیم که محدودیت‌ها رو به پایان است.

اگر این فرآیند با تدبیر ادامه پیدا کند شاید تا سال آینده دیگر چنین مشکلاتی، کشور و سیاسیون را رنج ندهد و اساسا معتقدم که رفع حصر مشکلی برای کشور ایجاد نمی‌کند.

این روزها شاهد هستیم که آقای احمدی‌نژاد به رهبری نامه نوشته و بحث مهندسی انتخابات را پیش کشیده است. نظر شما در این باره چیست؟

احمدی‌نژاد هیچ گاه از توهم خلاصی ندارد

احمدی‌نژاد با زرنگی در حال پاک کردن چالش‌ها و پرونده‌های گذشته و تاریخی است که خود عامل ایجاد آن بوده و به این ترتیب، می‌خواهد فرافکنی و مظلوم‌نمایی کرده و خود را به عنوان محور اپوزسیون، در مقابل نهادهای حکومتی و قوا نشان دهد. احمدی‌نژاد خود مسئول برگزاری دو انتخابات و ناظر و شاهد بر چندین انتخابات بوده است بحث اصلی این است، که او مشکلاتی ایجاد کرده که یا دیگر قابل حل شدن نیست، و یا کشور باید هزینه‌های سنگینی برای عبور از این مشکلات پرداخت کند. بخش قابل توجه مشکلاتی که امروز در کشور وجود دارد، محصول کار دولت وی است و احمدی‌نژاد هم خود فهمیده که مسئول انسداد و بن‌بست‌هایی است که در کشور وجود دارد، و امروز می‌خواهد خود را از شرایط خلاص کند. این نظر آقای باهنر درست بود که گفت آقای احمدی‌نژاد دچار یک توهم استو این فرد هیچ گاه از توهم خلاصی ندارد.

احمدی‌نژاد یک جریان نیست بلکه یک پدیده است

معتمد احمدی‌نژاد یک جریان نیست بلکه یک پدیده است، پدیده استثنایی که به وجود آمد. او نه فرقه است و نه جریان، شاید فهمیده است که برای اینکه در صحنه سیاسی باقی بماند باید خود را به گونه‌های مختلف مطرح کند. کافی است که رسانه‌ها و سیاسیون او را به حال خود بگذارند و از مطرح کردن او خودداری کنند. در این صورت قطعاً فراموش می‌شود. او به دنبال ایجاد جنجال است و خواسته‌اش این است که قوه قضائیه با او برخورد کند و محدود شود.

البته نظر و پاسخ من، درباره ادعای مهندسی انتخابات، که احمدی‌نژاد، مطرح می‌کند و پیشتر و در زمانی که خود، ۸ سال رئیس دولت بود و کوچکترین اشاره به آن نداشت، به پاسخ هوشمندانه سخنگوی شورای نگهبان نزدیک است و شما را به واکنش و پاسخ و واکنش اخیر وی به اظهارات احمدی‌نژاد ارجاع می‌دهم.

گفته می‌شود با احمدی‌نژاد به این دلیل برخورد نمی‌شود که مدارکی از وزارت اطلاعات در زمانی که رئیس جمهور بوده با خود دارد و به همین دلیل است که تحمل می‌شود. نظر شما چیست؟

به لحظ فنی امکان ندارد احمدی‌نژاد مدارکی را از وزارت اطلاعات برداشته باشد

خیر، چنین تحلیلی را قبول ندارم. من که وزیر اطلاعات بوده‌ام، می‌دانم که به لحظ فنی و ساختاری در وزارت اطلاعات، چنین امکانی وجود ندارد ولی در هر صورت، رئیس دولت، به میزانی که رئیس دولت و کابینه است، دسترسی به اسناد بکلی سری در محدوده خود دارد و در دسترس‌اش است.

همه اطلاعات سری در وزارت اطلاعات خلاصه نمی‌شود

من در مورد اسناد در دسترس او، چیزی نمی‌دانم، اما از آن طرف هم نمی‌دانیم ایشان به دنبال چیست؟ بطور کلی، اولاً همه اطلاعات سری در وزارت اطلاعات خلاصه نمی‌شود و بسیاری سازمان‌های اطلاعاتی دیگری هم هستند که اطلاعات سری در اختیار دارند، من جمله نهاد ریاست جمهوری و شخص رئیس‌جمهور به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی و رئیس شورای عالی امنیت ملی است که در تصمیمات کلان، دارای مسئولیت بوده و اسناد آن را هم در اختیار داشته است.

* در چند هفته اخیر شاهد پدیده‌ای در میان برخی از زنان و دختران معترض حجاب بودیم، برخورد حاکمیت را چگونه دیدید؟

نباید اعتراض به حجاب را تبدیل به یک بحث سیاسی کنیم

این حرکت‌ها نباید تبدیل به یک بحث سیاسی شود و باید به عنوان یک پدیده اجتماعی مورد توجه قرار گرفته و دیده شود. باید با آن هوشمندانه برخورد کرد و نباید تبدیل به چالش کرد.

گفت و گو از ایلنا

برچسب ها: [وزارت اطلاعات](#) [1]

[اصلاحات](#) [2]